

توانمندسازی اشخاص توان‌خواه در پرتو سیاست‌گذاری‌های حمایتی
فرید سعیدی^۱ - مهدی ذاکریان امیری^{۲*} - مجید توسلی رکن‌آبادی^۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۵

چکیده:

در یک دهه اخیر شاهد ظهور رویه فکری بوده‌ایم که برپایه حقوق معلولان قوام گرفته است. فرایند شکل‌گیری قوانین هدایتی، حمایتی و نحوه نظارت بر اجرای حقوق شهروندان معلول از دغدغه‌ها، الزامات حقوقی بشمار می‌رود. برای نخستین بار بررسی مفاد قانون جامع در پرتو اسناد بین‌المللی حقوق معلولان مقدمه‌ای است بر ادغام اجتماعی توان‌خواهان، با هدف تفسیر قاعده معلول به عنوان عامل فعل زیان دیده در متون حقوقی برشمرد. این موضوع در چارچوب مطرح کردن نظریه توان افتراقی با تأکید بر معلول شهروندی موثر بر پایه تشریح محدودیت‌های مضاعفی است که می‌تواند با بهره‌گیری از ایده بستر سازی قاعده مند فضای مجازی برای جامعه هدف در نظر گرفت و نقطه عطفی در جریان‌شناسی ناتوانی در ایران بشمار می‌رود. روش تحقیق حاضر با توجه به ضرورت عناصر پژوهش، توصیفی است که برپایه شالوده شکنی متمرکز شده که بر حق آموزش، حق شرکت در حیات فرهنگی جامعه و حق دسترسی به اطلاعات برای افراد دارای ناتوانی مورد تأکید و آسیب‌شناسی قرار می‌گیرد و از طریق ارائه سازوکار مطروحه موجب ترمیم قوانین حمایتی و بازجذب ناتوانان در جامعه را فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی: توانمندسازی، توان‌خواه، معلول شهروندی موثر، ادغام اجتماعی، محدودیت-

های مضاعف

^۱ - دانش آموخته دکتری تخصصی علوم سیاسی (سیاست‌گذاری عمومی)، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

saeedee.farid@gmail.com

^۲ - دانشیار و عضو هیئت علمی گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ نویسنده مسئول

mzakerian@yahoo.com

^۳ - دانشیار و عضو هیئت علمی گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۱- مقدمه

در عصر کنونی پرداختن به مسائل ناتوانی، توانمندسازی و توان‌بخشی از ارزش و اهمیت ویژه‌ای در فرایند جامعه‌پذیری برخوردار شده است و نیز آشنایی با مبانی معلولیت‌شناسی در تعاملات اجتماعی گامی در جهت طرح و تدوین مقرره‌گذاری‌های حمایتی از افراد دارای معلولیت بشمار می‌رود و همچنین در جهت تخصیص یکسان منابع موجود در اجتماع برای معلولان از امور الزام آور حقوق مدنی شمرده می‌شود و از طریق احیاء، خوانش مجدد قواعد توان‌بخشی حرفه‌ای مبتنی بر جامعه پژوهی می‌توان موجبات مشارکت بهینه شهروندان معلول، توانمندسازی و ادغام اجتماعی اشخاص دارای ناتوانی را با در نظر گرفتن مولفه‌های محدودیت‌های مضاعف در بطن جامعه فراهم کرد. فلسفه پرداختن به امور حقوق مشارکت افراد با نیازهای خاص، اصل پذیرش تنوع انسانی، توانمندسازی معلولان و اهداف مترتب بر این نوع اقدامات در یک‌سری، از مقالات، کتب، اسناد حاضر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. مضافاً اینکه موانع موجود در راستای تحقق فرایند حقوق شهروندان معلول و وظایف و تعهدات فراروی ارگان‌های مختلف در این خصوص نیز مورد تأکید واقع شده است. (باختری، ۱۳۹۱: ۳۳، ۳۷)

در این مورد بخصوص، مقالات، رساله‌ها، کتب و اسناد بی‌شماری با عناوین متفاوت به رشته تحریر در آمده است. در این میان نکته‌ای که حائز اهمیت است و مورد غفلت قرار گرفته این است که موضوعات و عناوین بررسی و پژوهش شده از منظر کیفی، محدود و قابل بازنگری مجدد از سوی پژوهشگران خواهند بود. نحوه بازخورد پتانسیل موجود در جهت جذب دوباره معلولان در فرایند مشارکت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که در این تحقیق سعی بر آن بوده با اتخاذ رویکردهای مختلف توسعه سیاسی و توسعه پایدار با قاعده‌مندی در پرتو قانون جامع حمایت از معلولان مورد تحلیل و آسیب‌شناسی قرار گیرد و در ادامه مشکلات و موانع بر سر این راه ذکر شود. در پایان، موارد ذکر شده به ارائه پیشنهاداتی برای سیاست‌گذاری‌های حمایتی مناسب در چارچوب افزایش توانمندسازی اشخاص دارای معلولیت منتج گردد.

هدف اصلی از طرح و نگارش مقاله حاضر، تحلیل زمینه‌های محدودیت‌های مضاعفی است که بر کاستی‌های جسمی، ذهنی و روانی بر یکسری از فعالیت‌های اجتماعی شهروندان معلول سایه افکنده و نیز از سوی مردم ارجحیت داشته است، که همانا تعمیم نگرش منفی غالب اجتماع نسبت به مفهوم معلولیت و ضعیف شمردن فرد دارای ناتوانی محسوب می‌گردد و همچنین ارائه راهکارهای مناسب و عملی در جهت خروج توان‌خواهان از انزوای اجتماعی و

کاهش فاصله‌گذاری اجتماعی براساس مدل‌های رایج معلولیت پژوهی است. این رهیافت بر اساس تفسیر الگوهای پزشکی، آسیب‌شناسی اجتماعی و مدل جنبش فراگیر حقوق شهروندان معلول انگاشته شده و برپایه دو نگرش عمده معلولیت به عنوان عامل ورود خسارت و معلول عامل فعل زیان دیده مبتنی است. (مرادزاده، ۱۳۹۰: ۵۱ - ۵۹)

۱-۱- روند شکل‌گیری قوانین مرتبط با معلولیت

از این روی، برای حمایت ویژه و مؤثرتر از این دسته اشخاص آسیب‌پذیر که از آنان تحت عنوان معلولان یاد می‌شود، اسناد خاصی در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای و ملی به تصویب رسیده است. اعلامیه مربوط به حقوق معلولان در حالی که اصولی چون اصل کرامت ذاتی انسان، اصل برابری و اصل عدم تبعیض که در بسیاری از اسناد حقوق بشری از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) و... مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، برابری تمامی انسان‌ها در بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌ها بدون هرگونه تمایزی از حیث، رنگ، نژاد، جنس، زبان، وضع اجتماعی، ولادت یا هر وضعیت دیگری مقتضی است. اما واقعیت آن است که چندین میلیون انسان در سراسر جهان، به جهت وضعیت جسمانی یا روانی خاصی که بر آنها عارض شده (معلولان)، با تبعیض‌هایی مواجه می‌شوند که اصل برابری و عدم تبعیض را نقض نموده و تعرض به کرامت انسانی آنها محسوب می‌شود. از این روی، برای حمایت ویژه و مؤثرتر از این دسته اشخاص آسیب‌پذیر که از آنان تحت عنوان معلولان یاد می‌شود، اسناد خاصی در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای و ملی به تصویب رسیده است.

اعلامیه مربوط به حقوق معلولان، یکی از این اسناد حقوق بشری محسوب می‌شود که در جهت حمایت بیشتر و مؤثرتر از حقوق معلولان طی قطع‌نامه شماره ۳۴۴۷ در مورخ ۹ دسامبر ۱۹۷۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است. این اعلامیه در قالب یک مقدمه و سیزده ماده در گزارش کمیته سوم طی قطع‌نامه (XXX 3447) تدوین یافته و به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده و محتوای آن به طور اجمالی به شرح ذیل است:

الف. تعریف اشخاص معلول

در ماده یک اعلامیه نخستین امری که مورد توجه قرار گرفته، تعریف و مفهوم اصطلاح «اشخاص معلول» است. بر این اساس، شخص معلول یعنی هر شخصی که نمی‌تواند به تنهایی، تمام یا بخشی از نیازهای فردی عادی یا زندگی اجتماعی عادی را به علت نقص مادرزادی یا

غیر مادرزادی، توانایی‌های جسمی یا روانی خود تأمین کند».

ب. عدم تبعیض میان معلولان

اصل عدم تبعیض در بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌ها، اصلی بنیادی در نظام حقوق بشر محسوب می‌شود که در بسیاری از اسناد حقوق بشری مورد شناسایی قرار گرفته است.

در ماده دوم اعلامیه مذکور به لزوم مراعات این اصل در میان معلولان توجه شده و چنین مقرر گردیده است: معلولان باید از تمامی حقوق مصرح در این اعلامیه برخوردار باشند. این حقوق باید بدون هرگونه تمایز یا تبعیض بر اساس نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان، دین، عقیده سیاسی یا دیگر عقاید، منزلت ملی یا اجتماعی، وضع مالی و ثروت، محل تولد یا هر موقعیت دیگر که مربوط به شخص معلول یا خانواده اش است، اعطا گردد».

ج. لزوم احترام به کرامت و حقوق معلولان

احترام به کرامت انسانی نیز یکی دیگر از اصول اساسی در نظام حقوق بشر است که از آن به عنوان یکی از اصول مبنایی حقوق بشر یاد می‌شود و در بسیاری از اسناد حقوق بشری مورد شناسایی قرار گرفته است. ماده سوم اعلامیه حاضر نیز این اصل را مورد اشاره قرار داده و چنین مقرر کرده است: اشخاص معلول از حق ذاتی احترام به کرامت انسانی خود برخوردارند. اشخاص معلول، صرف نظر از منشأ، ماهیت و شدت و جدیت نقایص و ناتوانایی‌هایشان از حقوق اساسی مشابه سایر شهروندان هم سن خود برخوردارند که این امر در وهله نخست، متضمن بهره‌مندی آنان از حق زندگی شایسته که تا حد امکان عادی (متعارف) و کامل باشد، است».

د. حقوق اختصاصی معلولان

جهت تضمین بهره‌مندی معلولان از حقوق و آزادی‌های اساسی، تحقق و اعمال حقوق آنان، تقویت توانایی‌هایشان برای بازگرداندن آنها به شرایط زندگی عادی باید اقدامات مناسب و مقتضی در ابعاد مختلف صورت پذیرد. از این رو در ادامه از ماده پنج تا سیزده به حقوق اختصاصی معلولان در این راستا توجه شده است. به این ترتیب ماده پنج مقرر می‌نماید: معلولان باید از تدابیری که تا حد امکان جهت خود اتکایی آنان طراحی شده، بهره‌مند شوند». در حقیقت با تقریر این ماده جهت‌گیری کلی دولت‌ها را به سازمان دهی برنامه‌هایی در جهت فراهم آوردن امکان خود اتکایی معلولان معطوف نموده است. سپس در ادامه، ماده ۶ مقرر می‌نماید: معلولان حق دارند از درمان پزشکی، روان‌شناسی و تدابیر و ابزارهای کارکردی و فرعی از جمله اندام‌های مصنوعی و وسایل اصلاحی، توان‌بخشی دارویی و اجتماعی، آموزش و پرورش، آموزش حرفه‌ای و توان‌بخشی، کمک، مشاوره، خدمات تعیین شغل و دیگر خدمات برخوردار باشند

که آنان را قادر نماید توانایی‌ها و مهارت‌های خود را به حداکثر برسانند و سرعت فرآیندهای پیوستن و مشارکت مجدد آنان در اجتماع را بیشتر نماید». (اعلامیه جهانی معلولان، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۹ دسامبر ۱۹۷۵)

در همین ارتباط اعلامیه جهانی حقوق بشر شامل یک دیباچه و ۳۰ ماده است و در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مطابق با ۱۹ آذر ۱۳۲۷ شمسی در مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد و همه ساله دول عضو این روز را به نام روز جهانی حقوق بشر به رسمیت می‌شمارند. با توجه به اهمیت جهانی این اعلامیه و اینکه امروزه میزان پایبندی کشورها نسبت به حقوق بشر با سند مذکور سنجیده می‌شود و نیز شامل برخی تعهدات کلی است که می‌توان به مفاد ۱ و ۲ آن اشاره کرد:

ماده اول: تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید با یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

ماده دوم: (۱) هرکس می‌تواند بدون هیچ تمایز - خصوصاً از حیث رنگ، جنس، نژاد، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت و وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است بهره‌مند گردد. (۲) به علاوه هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضایی یا بین-المللی کشور یا سرزمینی که شخص به آن تعلق دارد. خواه این کشور مستقل، تحت قیومیت یا خود مختار بوده و یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد. (اعلامیه جهانی حقوق بشر، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸)

در همین راستا کنوانسیون بین‌المللی حقوق معلولان در مورخ ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶ در مجمع عمومی به تصویب رسید و در ۳۰ مارس ۲۰۰۷ از سوی دول عضو شروع به کار نمود. کنوانسیون مذکور شامل اصول و تعهدات کلی که عبارت‌اند از:

(الف) احترام به منزلت ذاتی، خود مختاری فردی شامل آزادی انتخاب و استقلال افراد

(ب) عدم تبعیض

(پ) مشارکت کامل و موثر و ورود در جامعه

(ت) احترام به تفاوت‌ها و پذیرش افراد دارای معلولیت به عنوان بخشی از تنوع انسانی و

بشریت

(ث) برابری فرصتها

(ج) دسترسی به منابع موجود

همچنین شامل برخی تعهدات کلی است که می‌توان به ماده یک آن اشاره کرد:
۱. دولت‌های عضو متعهد می‌گردند تحقق کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برای تمامی افراد دارای معلولیت را بدون هرگونه تبعیض بر مبنای معلولیت تضمین و ارتقاء دهند. (عبداللہی، ۱۳۸۶: ۳۹ - ۴۱)

پیرو سیاست‌گذاری‌های حمایتی در ایران، سند قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۳ در ایران به تصویب رسید و این در حالی است که در سال ۱۳۸۸ ایران از طریق تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت در مجلس شورای اسلامی، به معاهده مزبور پیوست. مواد یک و دو از قانون جامع به شرح ذیل است:
ماده ۱: دولت موظف است زمینه‌های لازم را برای تأمین حقوق معلولان، فراهم و حمایت‌های لازم را از آنها به عمل آورد.

ماده ۲: کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند در طراحی، تولید و احداث ساختمان‌ها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی به نحوی عمل نمایند که امکان دسترسی و بهره‌مندی از آنها برای معلولان همچون افراد عادی فراهم گردد. (سند قانون جامع حمایت از معلولان، اردیبهشت ۱۳۸۳: ۳-۸)

۱-۲- اهداف و اولویت‌های پژوهش

از آنجا که تحولات پژوهش حاضر یک ضرورت است، این نوشتار با توجه به این ضرورت در پی بررسی تعهدات جمهوری اسلامی ایران در خصوص عناصر الزام آور حقوق شهروندان معلول از دو منظر حقوق بین‌المللی و حقوق داخلی مورد تاکید و آسیب شناسی قرار می‌گیرد. با توجه خاص به دو سند مهم فوق‌الذکر و با رویکرد تطبیقی و نحوه تاثیرگذاری بر مقررہ‌گذاری‌های حمایتی شکل می‌گیرد. در پژوهش حاضر حق آموزش، حق شرکت در حیات فرهنگی جامعه و حق دسترسی به اطلاعات برای افراد دارای معلولیت مورد مطالعه و آسیب شناسی قرار می‌گیرد. (طباطبایی، نوری نشاط، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۹)

۱-۳- تطوری در شناخت شناسی مفهوم معلولیت

در ابتدا به ساکن باید تعاریفی جامع از ناتوانی و توانبخشی ارائه دهیم تا بتوانیم ظرفیت‌های موجود در مفهوم معلول شهروندی موثر در چارچوب توانمندسازی و مشارکت بهینه معلولان را تشریح کنیم. معلولیت عبارت است از: داشتن اختلالی روحی یا جسمی که اساساً یک یا چند فعالیت اصلی حیاتی را محدود کند. (جبلی، ۱۳۹۱: ۱۸-۲۰)

تشریح مفهوم ناتوانی از منظر اعلامیه جهانی حقوق معلولان مصوب ۱۹۷۵ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بدین ترتیب است. در ماده یک، اعلامیه مذکور فرد معلول را اینگونه تعریف می‌کند. فرد معلول به کسی اطلاق می‌گردد که به طور کامل و یا ناقص به علت نارسایی مادر-زادی یا غیره در توانایی‌های جسمی یا ذهنی قادر به رفع نیازهای یک زندگی نرمال فردی یا اجتماعی نباشد. (نباتی، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۸)

مفهوم معلولیت از نگاه سازمان جهانی بهداشت: از سال ۱۹۸۰ سازمان جهانی بهداشت با طرح موضوعات سه گانه ناهنجاری، ناتوانی و معلولیت درصدد تصحیح این مفهوم برآمد. نقص مشکلاتی است که در عملکرد فیزیولوژیکی و یا ساختار جسمی فرد مورد نظر بروز می‌کند و در پی خود ناتوانی مستمر به همراه می‌آورد که باعث کمبود و حقارت فرهنگی شخص دارای معلولیت می‌گردد. در اثر آن فرد معلول فعالیت‌های نرمال همانند دیگران را به نحوی محسوس از دست می‌دهد که در چارچوب محرومیت‌های بلند مدت ظهور می‌کند. (همان، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۹)

در پیرو تشریح مفهوم معلولیت در جهت ارتقای کمی و کیفی فعالیت‌های معلولان نیازمند سازوکاری به نام توان‌بخشی هستیم. تعریف اصطلاح توانبخشی از دیدگاه هلاندر شامل تمامی اقدامات هدفمند و دارای محدودیت زمانی برای کاهش اثر معلولیت بر فرد، قادر ساختن وی برای دستیابی به استقلال، در هم آمیزی اجتماعی و کسب زندگی با کیفیت بهتر و خود شکوفایی است. لغت توانبخشی به روندی اشاره دارد که هدف آن قادر ساختن فرد معلول برای دستیابی و حفظ حداکثر سطح عملکرد فیزیکی، حسی، ذهنی، روانشناختی و اجتماعی است که منتج به توان‌بخشی هدف مند می‌گردد. (جیلی، ۱۳۹۱: ۲۹-۳۳)

بنابراین توانبخشی اسباب تغییر زندگی افراد معلول را به سوی یک زندگی مستقل تر فراهم می‌کند. توانبخشی ممکن است شامل اقداماتی باشد که عملکردهایی را تولید یا بازیافت می‌نماید یا نقص و نبود یک عملکرد را جبران می‌کند. توان‌بخشی شامل مراقبت‌های اولیه پزشکی نمی‌شود بلکه شامل اقدامات و فعالیت‌های گسترده‌ای است که از توان‌بخشی پایه و عمومی شروع شده و تا فعالیت‌های هدف‌دار مثل توانبخشی حرفه‌ای پیش می‌رود. (ماده ۲۳ قوانین استاندارد جهت برابر سازی فرصت‌ها برای معلولین مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۱۹۹۳)

۱-۴- ضمیمه‌های توانمندسازی

در راستای تشریح سازوکار نظریه معلول شهروندی موثر نیازمند پرداختن به بسترهای توانمندسازی از زوایای مختلف عناصر کارکردی مشارکت در جامعه مدنی هستیم. این فرآیند

عبارت است از طرح مسأله یا پیشنهاد، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، پیگیری برای اجرای طرح، بهره‌برداری، محافظت از دستاوردها، ارزیابی و بازنگری و توزیع عادلانه منابع خواهد بود. مفهوم مشارکت به عنوان «یک فرایند اجتماعی، عام، جامع، چندجانبی، چند بعدی و چند فرهنگی سعی دارد همه گروه‌های مردم را در همه مراحل توسعه شرکت دهد». این مفهومی پیشرفته از مشارکت است که در ارتباط با مشارکت نهادمند واجد معنا می‌یابد. جامعه مدنی، حقوق شهروندی، ارتقای آگاهی و اصل برابری فرصت‌ها بستر ساز وقوع مشارکت نهادمند خواهد بود. در مجموع وجه مشترک تعاریف ارائه شده عنصر آگاهانه و ارادی بودن مشارکت در کنار تصمیم‌سازی و کنترل افراد بر امورات مربوط به خویش از طریق الگوهای مشارکت بشمار می‌رود. (ازغندی، ۱۳۸۵: ۵۷-۵۹)

در این بخش از نوشتار به تحلیل زوایای مختلف قواعد حاکم بر شهروندی از منظر جامعه پژوهی می‌پردازیم. هر تحول اجتماعی با در نظر گرفتن مولفه‌های نهادسازی، فرهنگ‌سازی و مفهوم‌سازی هویت اجتماعی پیدا می‌کند. در جامعه‌شناسی سیاسی هابرماس از این بخش از جامعه در معنای ایده‌آل و آرمانی‌اش به عنوان «عرصه عمومی» یاد می‌شود که در آن امکان کنش ارتباطی برابر بین افراد وجود دارد. در چنین جامعه‌ای لایه‌های موجود در اجتماع هستند که تحت عنوان کنش‌گر اجتماعی اهمیت محوری پیدا می‌کنند و رهیافت مورد نظر از طریق تشکیل شبکه‌های ملی سازمان مردم‌نهاد در چارچوب فعالیت‌های مدنی اشخاص معلول تحقق می‌یابد. مفاهیم عدالت و برابری اجتماعی و عدم تبعیض و اصل پذیرش تنوع انسانی برای نخستین بار به طور گسترده در قالب کارکرد معلول شهروندی موثر آسیب‌شناسی و مطرح می‌گردد. (همان، ۱۳۸۵: ۶۹-۷۲)

۱-۵- تاملی در معیار شناسی ناتوانی

برابرسازی فرصت‌ها برای معلولان، وام‌دار جامعه‌ای عاری از هرگونه تبعیض است. برنامه اقدام جهانی برای معلولان (مصوبه سال ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد)، اصل برابری فرصت‌ها را به یک موضوع جهانی مبدل ساخت. هرچند در مسیر تحقق این اصل بویژه در کشورهای در حال توسعه، با چالش‌ها و ابهامات فراوانی مواجه شد اما بطور کلی مقوله تساوی فرصت‌ها، کشور-های مختلف را به تلفیق زندگی اجتماعی افراد معلول به عنوان شهروند موثر، با سایر آحاد جامعه ترغیب می‌کند. (جلی، ۱۳۹۱: ۱۱۵-۱۱۸) حال سوال این است که: رویکرد معلول شهروندی موثر، چگونه می‌تواند به سیاست‌گذاری‌های هدایتی، نظارتی و حمایتی در توانمندسازی اشخاص

توان‌خواه کمک کند؟

هرچند در مسیر تحقق این اصل بویژه در کشورهای در حال توسعه، با چالش‌ها و ابهامات فراوانی مواجه می‌شویم اما بطور کلی مقوله تساوی فرصتها، کشورهای مختلف را به تلفیق زندگی اجتماعی افراد معلول و سایر آحاد جامعه ترغیب می‌کند. طبق تعاریف مطروحه، افراد دارای معلولیت بخشی از یک جامعه مدنی بشمار می‌روند و قشر نام برده، حق مشارکت را به عنوان یک کنشگر اجتماعی «معلول شهروندی موثر» در فرایند تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری از حقوق مشروع خود می‌داند. که در سه عرصه پیشگیری، توان‌بخشی و اتخاذ فرصت‌های برابر متمرکز شده است و به واسطه معیار شناسی حاکم بر قواعد معلولیت، آزادی در عملکرد، استقلال در تصمیم‌گیری معلولین و دسترس پذیر بودن به منابع موجود؛ بار معنایی به خود می‌گیرد. (ترانه، ۱۳۹۲: ۴۸-۵۱)

۱-۶- سیری در روش شناسی پژوهش

نظر به ماهیت تحلیلی پژوهش حاضر، در مرحله جمع‌آوری داده‌ها از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. در این شیوه ارزیابی و سنجش داده‌ها با بهره‌گیری از منابع متقن فارسی و تطبیق آن با قوانین و مقررات هدایتی، حمایتی و نظارتی از جامعه هدف خواهد بود. که در حوزه مطالعات سیاست‌گذاری‌های حمایتی با استفاده از رویکرد معلول شهروندی موثر میسر می‌گردد. روش تحقیق نوشتار حاضر مبتنی بر تحلیل توصیفی (توسعه‌ای) است که درصدد واکاوی گزاره‌های موجود در پژوهش می‌باشد. که با بهره‌گیری از الگوهای رایج (طولی تداومی) استوار است که منتج به تبیین متغیرهای حاکم بر تحقیق در یک بستر قاعده مند شکل می‌گیرد. (مارش، استوکر، ۱۳۸۷: ۹۷-۹۹)

۲- درآمدی تحلیلی بر فهم سیاست‌گذاری

نظر به شناخت شناسی، آسیب‌شناسی مشکلات عدیده پیش روی اصول توانمندسازی توان‌خواهان؛ پژوهش حاضر براساس دستگاه تحلیلی سکansı «چارلز جونز» متمرکز شده است. که با رویکرد نهادگرایی در پی تبیین و ارائه راه کارهای اصولی متناسب با مفهوم معلولیت و کار ویژه‌های مترتب بر کارکرد ناتوانی فرض می‌گردد که توأم با پیش فرض حضور اجتماعی در پرتو توانمندسازی مورد استفاده قرار می‌گیرد و رهیافت مذکور منتهی به فهم و درک منطقی در فرایند ادغام اجتماعی افراد دارای معلولیت خواهد بود. که در سایه قوانین حمایتی از قبیل سند برنامه جامع حمایت از معلولان و کنوانسیون بین‌المللی حقوق معلولان تجلی می‌یابد. در

این مرحله قبل از پرداختن به پیشینه، تعاریف و مراحل سیاست‌گذاری عمومی لازم است در وهله نخست با روش تحلیل تحقیق آشنا شویم. رویکرد تحلیلی منطقی: روشی است که صرفاً به تحلیل مبانی، مفاهیم سازنده، و لوازم منطقی دیدگاه‌ها و نظریه‌ها می‌پردازد و با تحلیل منطقی، ساختاری منتهی به ارائه راهکارهای کاربردی منتج می‌گردد. (الوانی، ۱۳۷۶: ۱۳-۱۶)

۲-۱- موضوع و روش‌های سیاست‌گذاری

از نیمه دوم قرن بیستم میلادی به بعد ابتدا در ایالات متحده آمریکا و سپس در اروپای غربی رشته جدیدی به نام سیاست‌گذاری عمومی وارد حوزه علوم سیاسی معاصر گردید. از دیدگاه برخی از متفکرین سیاست‌گذاری عمومی حاصل تغییرات جزئی و تدریجی در یک رشته کلاسیک دانشگاهی نیست. بلکه ایجاد کننده زمینه‌های جدید است که در آن می‌توان تحقیقات بنیادین در بهبود فرایند سیاست‌گذاری‌ها را فراهم کرد. در حوزه سیاست‌گذاری پژوهشگر در پی پاسخ به این سوال که چه کسی حکومت می‌کند؟ و چگونه رها می‌کند؟ تا به این پرسش که چگونه و به وسیله چه کسی یک خط مشی یا سیاست عمومی تهیه و اجرا می‌گردد. پاسخ دهد. سیاست‌گذاری عمومی به عنوان یکی از گرایش‌های جدید علم سیاست، با عدول از مفهوم قدرت و نحوه اعمال آن، سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی را مورد بررسی قرار می‌دهد. در واقع پیوندی میان نظریه و عمل در علم سیاست است که از آن با عنوان مهندسی علوم سیاسی نیز یاد می‌شود. (اشتریان، ۱۳۸۶: ۷۵-۷۹)

سیاست‌گذاری عمومی: به مجموع فعالیت‌های هدف داری گفته می‌شود که فرد یا گروهی از افراد برای حل مشکل یا مسأله عمومی به عمل می‌آورند و فرایند یا مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و تصمیم‌های دولتی که با هدف حل یک مسأله عمومی طراحی شده‌اند سیاست‌گذاری عمومی نامیده می‌شود. (وحید، ۱۳۸۳: ۱۵-۱۸)

سیاست‌گذاری عمومی: شامل علم عمل عمومی، یا تخصیص اقتدار آمیز ارزش‌هاست و یا مطالعه عملکرد دولت در عرصه‌های عمومی تفسیر می‌گردد. (اشتریان، ۱۳۸۶: ۶۵-۶۸)

موضوع اصلی مطالعه سیاست‌گذاری «دولت» و عملکرد حاکمیت مبتنی بر خردگرایی اقتصادی است و روش و ابزار مطالعه سیاست‌گذاری عمومی عبارت‌اند از:

۲-۱-۱- مدل سیستم‌ها دیوید ایستون

ایستون نظریه پرداز آمریکایی کانادایی تبار در مدل سیستم خود به بررسی داده‌های ورودی و خروجی سیستم سیاسی خواسته‌ها و تقاضاها افراد و گروه‌ها که به صورت ورودی به سیستم

حکومتی منتقل می‌گردند و نیز نقش احزاب و گروه‌ها در انتخاب، تعدیل، شکل دهی و قرار دادن این خواسته‌ها و تقاضاها که به حسب قاعده نامحدود هستند. در دستور کار مسئولین حکومتی می‌پردازد.

سیستم سیاسی اولین بار توسط دیوید ایستون مطرح شد و بعدها توسط آلموند و میشل و دیگران گسترش یافت. در اندیشه ایستون حکومت به عنوان یک سیستم در نظر گرفته می‌شود که هم ورودی دارد و هم خروجی. ورودی‌ها عبارت‌اند از: تصمیمات، سیاستها، ارزش‌ها، کنترل‌ها، اهداف و هزینه‌ها. سیستم سیاسی وقتی توسعه یافته است که بتواند بین داده‌ها و ستانده‌ها چنان تناسبی برقرار کند که توانایی پاسخگویی از طریق سیاست‌ها و تصمیمات به تقاضاهای شهروندان را داشته باشد. یک سیستم سیاسی پویا به آن درجه از عقلانیت و توانایی برسد که از درجه بالای ابتکار در برآوردن مطالبات مردم و کاهش انتظارات و مشکلات برخوردار باشد و همچنین هر سیستم دارای قابلیت‌های است که شامل موارد ذیل می‌باشند:

الف) قابلیت استخراجی: استخراج منابع مادی و غیر مادی از محیط داخلی و خارجی
ب) قابلیت تنظیمی: به معنای عملکرد نظام سیاسی در کنترل و هدایت رفتار افراد و گروه‌ها در نتیجه هر چه این کنترل نرم افزاری تر باشد آن نظام کارآمدتر است. نرم افزاری مثل: نفوذ تاثیرپذیری تشویق. سخت افزاری مثل: توبیخ، تنبیه و مجازات قدرت برهنه.
ج) قابلیت توزیعی: تخصیص ارزش‌ها، اعتبارات، کالاها و خدمات شیوه پست‌ها و فرصت‌ها در جامعه.

د) قابلیت سمبلیک: که ناظر بر سمبل ویژه جریان یابنده از نظام سیاسی به محیط اجتماعی در داخل و در نظام است. وقتی سمبل‌های مردم و نظام سیاسی متفاوت باشد کارکرد آن نظام کم رنگ است.

ه) قابلیت پاسخگویی: ایجاد رابطه عقلانی میان داده‌ها ستانده‌ها و حجم قدرت پاسخگویی به مطالبات و توانایی پیش بینی مطالبات در حوزه‌های مختلف در حال و آینده را شامل می‌گردد.
(وحید، ۱۳۸۷: ۲۵-۳۷)

۲-۱-۲- تحلیل استراتژی

میشل کروزیه بنیانگذار جامعه‌شناسی سازمان‌ها در فرانسه نقش بسزایی در ارائه و توسعه مدل تحلیل استراتژیک ایفا کرده است. تحلیل استراتژیک بر مبنای مفاهیمی چون کنشگر، سیستم، قدرت و هم‌کنشی استوار شده است. در این قالب فرد بر اساس خرد‌گرایی محدود و

میزان منابع قدرتی که در دست دارد. سعی در رسیدن به اهداف خود در درون سیستم می‌کند. (ذاکریان، ۱۳۸۳)

مدل استراتژیک به تحلیلگر این امکان را می‌دهد که با مبنا قرار دادن رفتار مبتنی بر خرد محدود بازیگران و ارتباط متقابل افراد و سیستم بر اساس رابطه قدرت و در اختیار داشتن منابع آن به مطالعه و بررسی سیاست‌گذاری‌های عمومی در زمینه‌های مختلفی همچون نحوه پیدایش و منطق پیدایش؛ نوع پاسخ‌دهی به مشکلات و اهداف سیاست‌گذاری‌ها بپردازد. (مولر، ملک محمدی، ۱۳۸۳: ۴۵-۵۱)

۲-۱-۳- مدل تحلیلی مرحله‌ای یا سکansı

مدل تحلیلی سکansı یا چرخه‌ای توسط چارلز جونز استاد آمریکایی علوم سیاسی ارائه گردید. جونز در فصل اول کتاب خود با عنوان **مقدمه‌ای بر مطالعات سیاست‌گذاری عمومی** به دغدغه دانشجویان سیاست‌گذاری عمومی برای داشتن سیستمی بهتر و کارآمد اشاره می‌کند. به اعتقاد وی برای این منظور ابتدا باید چارچوبی ارائه کرد. تا در قالب آن بتوان عملکرد دولت را بصورت عینی و علمی مورد مطالعه قرار داد. مدل جونز به صورت ایده آل تیپیک عملکرد دولت و تصمیم‌گیران را به پنج مرحله به هم وابسته تقسیم می‌کند.

الف) مرحله شناخت مشکل و قرار گرفتن مشکل در دستور کار حکومت

ب) مرحله ارائه راه حل‌ها

ج) مرحله تصمیم‌گیری یا انتخاب راه حل درست

د) مرحله اجرای سیاست‌گذاری

ه) مرحله ارزیابی سیاست‌گذاری‌ها (وحید، ۱۳۸۳: ۳۵-۴۵)

۲-۲- تاملی در ویژگی‌های بارز سیاست‌گذاری

نکات بارز دستگاه تحلیلی مرحله‌ای انعطاف‌پذیر، ایده آل بودن، در عرصه‌های عمومی تلقی می‌شود.

الف) ویژگی‌ها: عمومی بودن، هدفدار بودن، واقع‌بینی، آینده‌نگری، گستردگی، نمایان‌گری، طولانی بودن.

ب) هنجاری و ارزشی مسئله محوری، کل‌نگری

ج) فکری، دستاورد حکومت عمومی، عمل حکومت ایجابی یا سلبی حقوقی و قانونی

(وحید، ۱۳۸۷: ۹۷-۱۰۲)

۲-۳- الگوهای مترتب بر معلولیت پژوهی

الف) مدل پزشکی؛ این نگرش بر این مبنا استوار خواهد بود. که معلولیت کاستی‌ایی است که باید از طریق روش‌های پزشکی درمان شده یا آنکه افراد مبتلا تحت توان‌بخشی قرار گیرند. ب) مدل آسیب‌شناسی اجتماعی؛ مدل مزبور در پی جبران نقصان ذاتی معلولان است. لیکن بر این پیش‌فرض استوار است که معلولیت انعکاس نوعی موانع نگرشی رفتاری درونیست که فرد معلول واجد آنها است.

ج) مدل حقوق‌شهروندی معلولان؛ در مدل مذکور تمرکز بر لزوم انطباق جامعه با معلولان است. مبنای این نظریه بر چگونگی سازگاری اجتماع با توجه به حضور افراد ناتوان واقع شده است. (مرادزاده، ۱۳۹۰: ۳۸-۴۵)

۳- تطوّر در مفهوم معلولیت در قوانین ایران و اسناد بین‌المللی

در خصوص حقوق‌شهروندی توان‌خواهان، اعلامیه جهانی حقوق بشر در موارد اول و دوم خود کرامت و ارزش ذاتی بشر برابری و عدم تبعیض به عنوان اصول بهره‌مندی همه افراد بشر از تمامی حقوق و آزادی‌ها را می‌داند. که در دیگر مفاد اعلامیه ذکر شده است. به عبارتی کرامت، برابری و عدم تبعیض اصول مبنایی و پایه برای توجیه بهره‌وری انسان‌ها از حقوق اساسی خود می‌باشند. (نباتی، ۱۳۸۹: ۵۹-۶۱)

۳-۱- حمایت از معلولان در پرتو اسناد بین‌المللی

حمایت از حقوق معلولان در پرتو اسناد عام و خاص شکل گرفته است. که به تشریح مختصری از فرایند مزبور می‌پردازیم. این حمایت نخستین بار در سال ۱۹۲۴. م در اعلامیه جهانی حقوق کودک که بر اساس پیشنهاد یک سازمان غیر دولتی فعال مطرح و به تصویب جامعه ملل رسید. این عبارت در یکی از موارد پنجگانه آن گنجانده شد: «کودکی که دارای معلولیت ذهنیست باید مساعدت شود» که نقطه عطفی در توانمندسازی معلولان بشمار می‌رود. (زهرایی، تابان، ۱۳۹۳: ۴۷-۵۵)

در ادامه اعلامیه جهانی حقوق بشر تصویب شد. اعلامیه نام برده در سال ۱۹۴۸. م با توجه به قواعد حاکم بر تعاملات بین‌المللی شکل گرفت. ماده ۲۵- این اعلامیه به صراحت تأکید می‌کند. که انسانها در مواقع بیکاری، بیماری، نقص عضو و کهولت سن و غیره که خارج از اراده انسانیست و قادر به تأمین معاش خود نیستند باید از شرایط آبرومند یک زندگی طبیعی برخوردار باشد. تأکید ماده ۶- اعلامیه بر حق افراد در داشتن شخصیت حقوقی به عنوان یک انسان در

مقابل قانون و همچنین داشتن حق کار و انتخاب آزادانه آن؛ و برخورداری از شرایط منصفانه رضایت بخش بدون هیچگونه تبعیضی در ماده ۲۳- ذکر شده است. (همان: ۵۱-۵۵)

در سال ۱۹۶۶ م. دو پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی و اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی تصویب شدند. این دو پیمان‌نامه حاوی مهمترین اسناد حمایتی از حقوق بشر محسوب می‌شوند و شناسایی عام حقوق اساسی بشر را در قالب حقوقی فراهم کردند. در این اسناد از تعلق تمام حقوق و آزادیهای اساسی نسبت به کلیه افراد بشر بدون هیچ گونه تبعیضی یاد شده و افراد دارای معلولیت به طور خاص مورد توجه قرار نگرفته اند بعدها در تفسیر عمومی کمیته پیمان‌نامه حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی این موضوع مطرح شد. که عدم توجه میثاقین به افراد دارای معلولیت ناشی از عدم آگاهی نسبت به حقوق آنها تلقی می‌شود. همچنین کنفرانس جهانی توسعه اجتماعی کپنهاگ که با حضور سران دولت‌ها در مارس ۱۹۹۵ در کشور دانمارک برگزار شد که در اعلامیه پایانی خود آورده است: «معلولان یکی از بزرگترین اقلیتها یعنی یک دهم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. اینان در اکثر موارد از روی ناچاری به فقر، بیکاری و انزوای اجتماعی تن در داده اند». (زهرایی، تابان، ۱۳۹۳: ۳۳-۳۸)

در راستای تکوین اسناد خاص گام‌های نخستین در این زمینه از سوی سازمان ملل متحد با تصویب اعلامیه حقوق اشخاص دارای اختلالات روانی در ۲۰ دسامبر ۱۹۷۱ از سوی مجمع عمومی برداشته شد. این اعلامیه بیان می‌دارد که اشخاص مذکور نیز مانند سایر اشخاص از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر پیمان‌نامه‌های مربوط برخوردارند. در سال ۱۹۷۵ (۹ دسامبر) اعلامیه دیگری از سوی مجمع عمومی این بار در مورد کلیه افراد معلول به تصویب رسید که در آن حمایت ملی و بین‌المللی از حقوق معلولان مورد تشویق قرار گرفت. اعلامیه بیان داشته که افراد معلول نیز به مانند سایر افراد دارای حقوق مدنی و سیاسی هستند و اقدامات لازم جهت خودکفایی و خود اتکایی آنان بایستی صورت بگیرد و همچنین تصویب قواعد استاندارد برای اشخاص دارای معلولیت در مورد برابری فرصت‌ها در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ صورت گرفت. در همین چارچوب در دسامبر سال ۲۰۰۱ کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد یک کمیته موقت (Adhoc) را به منظور بررسی پیشنهاد تدوین کنوانسیون جامع و کامل برای حمایت از معلولان و ترویج حقوق و منزلت آنان ایجاد کرد. در نهایت پیش نویس کنوانسیون راجع به حقوق معلولان در تاریخ ۳۰ مارس ۲۰۰۷ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. (نوری، ۱۳۹۴: ۴۷-۵۵)

۳-۲- فرایند شکل‌گیری حقوق ناتوانان در ایران

سیر تحولات تاریخ حقوق معلولان ایران را در چهار مرحله می‌توان طبقه‌بندی کرد.

الف) دوره تصویب قوانین موردی (۱۳۰۱ تا ۱۳۶۸)

ب) دوره تصویب قوانین آموزشی و مناسب‌سازی (۱۳۶۸-۱۳۸۳)

ج) دوره تصویب و اجرای نخستین قانون جامع (۱۳۸۳ تا ۱۳۹۱)

این دوره به نام شفافیت و توسعه حقوق شهروندی معلولان نام‌گذاری شده است.

د) دوره جنبش فراگیر حقوق‌گرایی شهروندان معلول (۱۳۹۰ تا کنون) (باختری، ۱۳۹۴: ۴۷-)

(۵۲)

یکی از قدیمی‌ترین متونی که در آن از واژه معلول استفاده شده است، ماده ۵۶- قانون تامین اجتماعی در سال ۱۳۵۴ است. این قانون از اصطلاح آسیب دیده برای توصیف کارگران دچار سانحه بهره‌جسته است ولی در آن با واژه معلولان نیز برخورد می‌کنیم. نکته قابل ذکر آن است که نگرش حاکم در این متن امکان ادغام مجدد حرفه‌ای فرد معلول است. در لایحه قانونی در زمینه تشکیل سازمان بهزیستی کشور که به صورت ماده واحده به تصویب رسید. آشکارا حاکمیت الگوی مدل پزشکی دیده می‌شود. در این قانون یکی از اهداف ایجاد سازمان بهزیستی کشور، توان‌بخشی حرفه‌ای اجتماعی معلولان جسمی و ذهنی بیان شده است. نخستین مقررات حمایتی از اشخاص معلول را می‌توان قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۶.۰۲.۱۳۸۳ دانست. در این قانون بطور ناقص و غیر عمل‌گرایانه تضمین برخی از حقوق برای معلولان پیش‌بینی شده است. از آن جمله می‌توان به مناسب‌سازی محیط، اشتغال معلولان، و اعطای برخی تسهیلات اشاره کرد. یکی از نقاط ضعف قانون جامع حمایت از حقوق معلولان عدم پیش‌بینی ضمانت اجرایی لازم برای تضمین اجرای مقررات حمایتی است. همچنین در هیچ‌کدام از متون موجود در کشور ایران تبعیض بر اساس معلولیت منع نشده است. (علی محمدی، ۱۳۹۴: ۲۲-۲۹)

۳-۳- ضرورت‌های ایجابی قانون جامع حمایت از معلولان

قانون مذکور با لحاظ کردن مقررات بین‌المللی و توجه «جامع» به حقوق معلولان به تصویب رسید؛ که مسائل و مشکلات این قشر را در کانون توجه خود قرار داده و حاوی مقررات مفیدی در حمایت از اشخاص دارای معلولیت بوده. اما بدون اینکه بخواهیم قانون جامع حمایت از معلولین را به طور کامل تجزیه و تحلیل نماییم، باید گفت که این قانون از دو منظر دارای اهمیت

اساسی است:

الف) قانون جامع حمایت از حقوق معلولان تقریباً تمام ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی، نیمه دولتی، نهادهای عمومی و انقلابی و حتی بعضاً خصوصی و غیر انتفاعی (مانند دانشگاه آزاد اسلامی) را درگیر مسائل معلولان و ملزم به حمایت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی می‌نماید و به عنوان اولین قانون که چنین نگاه وسیع و گسترده‌ای به مسائل معلولان دارد؛ دارای اهمیت ویژه‌ای است. ب) مقرر نام برده، بعد از چالش‌هایی که سالها فراروی حضور اجتماعی معلولان قرار داشته و تقریباً با لحاظ تمامی مسائل و مشکلات جامعه هدف به تصویب رسیده است. هرچند که به نظر می‌رسد اجرای تمام آنچه در قانون الزامی شناخته شده نیاز به بسترسازی، فرهنگ سازی و صرف هزینه‌های مالی فراوانی است. (طباطبایی، نوری نشاط، ۱۳۹۰: ۱۹۷)

۴- تاملی در معیار شناسی معلول شهروندی موثر

در راستای شرح و بسط مبانی معلول شهروندی موثر، در حیطه قانون‌گذاری ضرورت ایجاد می‌نماید. خوانش مجددی بر برخی از اسناد، پیمان‌نامه‌ها حمایتی بین‌المللی و داخلی داشته باشیم. تا بتوانیم به نحوی منطقی به بازتولید کارکرد ناتوانی در قوانین داخلی بپردازیم.

۴-۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. که در این بخش به بررسی و شرح برخی از مواد آن می‌پردازیم. (ماده ۱) تمام افراد بشر آزاد زاده می‌شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابرند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه ای برادرانه رفتار کنند. (ماده ۳) هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

(ماده ۷) همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بی هیچ تبعیضی از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد، و بر ضد هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، از حمایت یکسان قانون بهره مند گردند. (اعلامیه جهانی حقوق بشر، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸)

۴-۲- اعلامیه جهانی حقوق معلولان

اعلامیه مربوط به حقوق معلولان در مورخ ۹ دسامبر ۱۹۷۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد و به منظور کمک به ایجاد معیارهای بهتر زندگی، اشتغال کامل و شرایط پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی، با تایید دوباره ایمان خود به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی و

به اصول صلح، منزلت و ارزش شخص انسان و عدالت اجتماعی اعلام شده در منشور، به باز-خوانی موادی از آن می‌پردازیم.

(۱) عبارت «شخص معلول» یعنی هر شخصی که نمی‌تواند به تنهایی، تمام یا بخشی از نیازهای فرد عادی یا زندگی اجتماعی عادی را به علت نقص، اعم از مادرزادی یا غیر مادرزادی توانایی-های جسمی یا روانی خود تامین کند.

(۲) معلولان از حق ذاتی احترام برای منزلت انسانی خود برخوردارند. اشخاص معلول بدون توجه به منشاء، ماهیت و جدی و شدید بودن نقص‌ها و ناتوانی‌های خود از حقوق بنیادی مشابه سایر شهروندان هم سن خود برخوردارند که مقدم بر همه متضمن حق برخورداری از زندگی شرافتمندانه و با منزلت است که تا حد امکان عادی و کامل باشد. (اعلامیه جهانی حقوق معلولان، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۹ دسامبر ۱۹۷۵)

۳-۴- مفاد کمیته افراد دارای معلولیت مورخه ۲۳ مارچ ۲۰۱۷ سازمان ملل متحد

کمیته ملاحظه میکند که در ایران، کنوانسیون در حکم قانون داخلی به حساب می‌آید و طبق ماده ۹ قانون مدنی این کشور قابل اعمال است. کمیته از تمهیداتی که دولت عضو از زمان تصویب کنوانسیون در پیش گرفته استقبال می‌کند، از جمله تصویب قوانین و مقررات ذیل:

الف) منشور حقوق شهروندی مصوب ۲۷ تیرماه ۱۳۹۵ (۱۷ جولای ۲۰۱۶) که مقرر داشته باید محیط اجتماعی مدنی و مناسب برای افراد دارای معلولیت فراهم شود؛

ب) قانون شماره ۷۷۳۰۳ مصوب ۱۵ شهریور ۱۳۹۴ (۶ سپتامبر ۲۰۱۵) که مقرر می‌دارد تمهیداتی برای دسترسی به اطلاعات و ارتباطات از جمله تولید کتاب به خط بریل و دسترسی‌پذیری تارنماها در نظر گرفته شود.

انتظارات حقوقی کمیته افراد دارای معلولیت سازمان ملل متحد از جمهوری اسلامی ایران شامل موارد ذیل است.

الف) کاهش خشونت فیزیکی، رفتاری و گفتاری علیه کودکان و زنان

ب) اصلاح ادبیات متعارف معلولین از شکل توهین آمیز به سمت ایجاد بر ساخت‌های ذهنی متناسب با عرف جامعه

ج) اصلاح ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری در جهت استیفای حقوق (کمیته افراد دارای معلولیت، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۲۳ مارس ۲۰۱۷)

۴-۴- تبیین معیارشناسی حقوق شهروندان توان‌یاب

اصول و قواعدی که از اسناد فوق‌الذکر مستفاد می‌گردد. در چارچوب معیارهای اصلی حقوق شهروندان معلول و محدودیت‌های مضاعف واجد معنا می‌یابد و نیز در پرتو سیاست‌های توانمندسازی اشخاص توان‌یاب در مقررہ‌گذاریهای حمایتی از نظر نویسنده می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

الف) دسترسی به منابع موجود: از حقوق مشروع هر شخص ناتوانی، دسترسی بهینه و آزاد به منابع حیاتی، زیستی، قانونی و عرفی محسوب می‌گردد. همچنین می‌تواند سازوکار پیش‌گیری، توان‌بخشی و کاهش فاصله‌گذاری اجتماعی را در جامعه تصریح بخشد.

ب) آزادی در عملکرد اشخاص ناتوان: معیار نام برده از طریق ایجاد تشکلهای سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد مربوط به افراد توان‌خواه به وجود می‌آید. در جهت شناسایی توانایی، کارکردهای جامعه هدف در بستر جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و معیار مورد نظر در قالب گستره اختیارات مدنی، تجلی می‌یابد.

ج) استقلال در تصمیم‌گیری اشخاص دارای معلولیت: تدوین و تنظیم مقررہ‌گذاری‌های حمایتی بدون در نظر گرفتن آرا و پیشنهادات جامعه هدف، منتج به عدم تطبیق قوانین توانمندسازی اشخاص ناتوان با خاستگاه اصلی جامعه معلول بشمار می‌رود.

د) اصل کرامت ذاتی اشخاص دارای ناتوانی: افراد معلول از حیث کاستی و نواقص نبایستی با دیگر آحاد یک اجتماع متفاوت انگاشته شوند. پذیرش اصل تنوع انسانی و اصل عدم تبعیض اجتماعی می‌تواند راهکاری در راستای بازجذب اجتماعی معلولان در متن جامعه بشمار رود و نیز از طریق اتخاذ نظریه‌های مساعدت بیرونی، پوشش و تعمیم و توان افتراقی در سیاست‌گذاری‌ها ضمیمه‌ساز حضور اجتماعی آنها را فراهم کرد.

ه) اصل برابری فرصتها: تخصیص یکسان و برابر منابع موجود از قبیل فرصت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی بایستی متناسب با نقش و جایگاه اجتماعی افراد معلول در پرتو وضعیت جسمی، نواقص اشخاص توان‌خواه در نظر گرفته شود. تا پتانسیل مورد نظر بطور صحیح در جامعه هدف مورد استفاده قرار گیرد.

و) اصل پذیرش تبعیضات مثبت اجتماعی: در ارائه خدمات اجتماعی، رفاهی، آموزشی و توزیع یکسان فرصت‌های اجتماعی به اشخاص ناتوان نبایستی این مسئله نادیده انگاشته شود که فرد معلول از یکسری کاستی‌های فیزیکی، ذهنی و غیره در چارچوب محدودیت‌های مضاعف نسبت به سایر آحاد یک اجتماع در فعالیت‌های خود برخوردار است و نقص مورد نظر از طریق

اتخاذ رویکرد تبعیضات مثبت متناسب با وضعیت ناتوانی جبران می‌گردد و فرایند مذکور منتج به کاهش کاستی‌های کارکردی معلولان در تعاملات اجتماعی خواهد شد و نیز موجبات ادغام اجتماعی آنها را فراهم می‌سازد. (مرادزاده، ۱۳۹۰: ۳۸-۴۵)

۵- تأملی در رویکرد معلول شهروندی موثر

برای نخستین بار پژوهش حاضر به بررسی سیاست‌گذاری‌های توانمندسازی شهروندان توان‌خواه در پرتو کنفرانس‌های بین‌المللی توام با قانون‌گذاری‌های هدف‌مند می‌پردازد که منتج به استخراج رویکرد «معلول شهروندی موثر» شده‌اند، و در فرایند خط مشی‌گذاری‌های حمایتی، نظارتی «از سوی نویسندگان» مطرح شده است؛ و این نقیصه و ایراد وارده بایستی در اصلاحیه قانون جامع حمایت از معلولان در قالب «برنامه جامع حمایت از معلولان» مصوب دوازدهم دیماه ۱۳۹۴ و به تبع آن آئین‌نامه‌های اجرایی توسط دولت ملحوظ گردد. به نظر می‌رسد. نقیصه مذکور با در نظر گرفتن طرح قاعده «معلول شهروندی موثر» با وجود محدودیت‌های قانونی ایجاب می‌نماید که زمینه‌ساز ارتقای کیفی توان‌مندی جامعه هدف را فراهم کند. هر فردی دارای معلولیت، به عنوان یک کنشگر اجتماعی دارای یکسری حقوق شهروندی، مدنی می‌باشد. که از حقوق مشروع و الزامی هر شهروند بشمار می‌رود، و برای تحقق الزامات مدنی آن نیازمند به سازوکاری است. که معطوف به شناخت وضعیت حاکم بر ناتوانی در اجتماع و نحوه تعامل یا تقابل ساختاری، هنجاری با قشر نام برده خواهد بود. معلولیت همانطور که قبلاً ذکر شد نوعی کاستی، نقصان و محدودیت‌های عملکردی که گاه بلند مدت بوده تعریف می‌شود. که علاوه بر نواقص جسمی، ذهنی و حرکتی تحمیل نگرش‌های منفی، عدم اعتماد به فعالیت‌های اجتماعی اسباب انزوای اجتماعی اشخاص دارای معلولیت را فراهم می‌سازد. که در چارچوب مفهوم مطروحه از سوی نویسندگان «محدودیت‌های مضاعف» بر عملکرد معلولان تفسیر می‌گردد. مرتفع کردن نگرش‌های عدم اطمینان به کارکرد افراد دارای ناتوانی در فرایند جامعه‌پذیری مستلزم تدوین قوانین حمایتی در پرتو مقررره گذاری سیستمی انگاشت که می‌تواند از طریق ارائه کاربست، علمی معلول شهروندی موثر در راستای ارتقای کیفی حضور اجتماعی معلولان در چارچوب سیاست‌گذاری‌های حمایتی مطرح گردد. معلول شهروندی موثر: به آن دسته از شهروندانی اطلاق می‌گردد که از لحاظ محدودیت‌های فیزیکی، جسمی از کاستی‌های کارکرد اجتماعی برخوردارند. اما با سازوکاری که از مدل جنبش فراگیر حقوق شهروندان معلول اقتباس شده؛ می‌توانند بطور موثر تصمیم‌سازی‌های کلان را کنترل نمایند. که تعدیل‌کننده

ظرفیت‌های موجود سیستم از قبیل پاسخگویی مسئولیت‌پذیری و شفافیت در ارائه قانون-گذاری در عرصه توانمندسازی، توان‌بخشی افراد معلول تجلی یابد. این رویکرد می‌تواند زمینه ساز تقویت معیارهای معلولیت پژوهی از قبیل: آزادی در عملکرد، استقلال در تصمیم‌گیری معلولین و دسترس پذیر بودن به منابع موجود را هموار سازد و براساس این رویکرد، نگرش حاکم بر «معلول عامل فعل زبان دیده» در متون حقوقی تعمیم خواهد یافت. که مبتنی بر مسئولیت-های مدنی و تعهد جامعه در قبال جبران نواقص و ضعف‌های ناتوانی، بر حسب مدل‌های رایج معلولیت بوده، و ایجاد فضای مناسب برای حضور اجتماعی افراد دارای معلولیت مطابق نظریه-های پوشش و تعمیم، توان افتراقی و خودآیینی متمرکز خواهد شد که می‌تواند به لوازم ادغام اجتماعی شهروندان معلول مشروعیت ساختاری بخشد. همچنین با محوری دانستن این قاعده بسیاری از چالشها و موانع پیشروی توانمندسازی بهینه شهروندان معلول قابلیت ترمیم و بازتولید را خواهند یافت. (نوری، ۱۳۹۴: ۳۲-۳۸)

۶- توصیه‌های سیاست‌گذاری حمایتی

در این نوشتار سعی بر طرح و تدوین، بررسی توصیه‌های سیاست‌گذاری برپایه الگوهای حمایتی مبتنی بر توان‌بخشی حرفه‌ای و تامین اجتماعی متمرکز شده است.

الف) قانونگذاری در فضای مجازی به منظور تسهیل بهره‌وری توان‌خواهان به منظور ارتقای کیفی سیاست‌گذاری‌های حمایتی تخصیص یکسان فرصت‌های برابر مدنی اجتناب‌ناپذیر است و نیز در نظر گرفتن پتانسیل حضور اجتماعی اشخاص دارای ناتوانی و افزایش مشارکت مدنی توان‌خواهان در مسیر دسترسی به حقوق ایجابی شهروندی الزامی می‌نماید. مطرح کردن ایده قانون‌گذاری در فضای مجازی و ایجاد الزامات حقوقی، با هدف تسهیل بهره‌وری افراد دارای ناتوانی در بستر اجتماع ضروری می‌نماید. در مقطع کنونی در جهت همگام‌سازی فرصت‌ها میان اقشار یک جامعه برای حضور یکسان معلولان و استفاده بهینه از فرصت‌های برابر در متن اجتماع ایجاد و تدوین سند قانون‌گذاری بهینه در فضای مجازی، که مکمل برنامه جامع حمایت از معلولان بشمار می‌رود. در قالب موسسات فن‌آوری در سایه ترویج فرهنگ-سازی و استفاده کاربردی از دانش خدمات الکترونیکی برای افراد ناتوان را ضروری می‌نماید. که در سه حوزه پیشگیری، توان‌بخشی و ایجاد فرصت‌های برابر متمرکز است و نیز می‌تواند مقدمات توانمندسازی همه جانبه قشر نام‌برده را در اجتماع فراهم کند. در این میان ارائه خدمات رایانه‌ای و تکنولوژی مربوط به سازوکار فضای مجازی متناسب با وضعیت فیزیکی

اشخاص دارای معلولیت بر حسب توان‌بخشی حرفه‌ای الزامی و حیاتی می‌نماید. به دلیل کاستی، نواقص جسمی ذهنی و حرکتی جامعه هدف، ایجاد و تدوین قانون جامع حمایت از فعالیت‌های بهینه توان‌خواهان در فضای مجازی می‌تواند متمم برنامه جامع حمایت از معلولان در عرصه اجرا و نظارت محسوب گردد و نیز در امر توان‌بخشی حرفه‌ای «سی.بی.آر» زمینه ساز متدهای راهبردی را در بستر جامعه ارائه دهد. در این راستا همسان سازی سازوکار ناتوانی و کاستی‌ها با بهره‌گیری از فن آوری توان‌بخشی مبتنی بر علوم اینترنتی مقدمه‌ای است برای ایجاد فرصت‌های برابر اجتماعی دانست. فرایند مذکور گامیست در جهت تعاملات بهینه آحاد یک اجتماع با افراد دارای معلولیت برشمرده؛ که از طریق ارتقای کیفی، کمی آگاهی عمومی توأم با ایجاد فضای مناسب همسان‌سازی شهروندی بشمار می‌رود. این امر بر اساس خوانش مجدد نظریه مساعدت بیرونی توجیه پذیر می‌باشد. روند مذکور منتج به ادغام اجتماعی افراد دارای ناتوانی بر حسب اتخاذ روی‌کرد جنبش فراگیر معلولیت ملحوظ می‌گردد و در چارچوب تدوین قانون جامع حمایت از حقوق شهروندان نمود عینی پیدا می‌کند و نیز در پرتو قاعده «معلول شهروندی موثر» و پذیرش اصل تنوع انسانی انگاشته خواهد شد. (ارجمند، ۱۳۸۰: ۵۹-۶۷)

۷- نتیجه‌گیری از مباحث

از مجموع آنچه در این نوشتار آمد، نتایج و راهکارهای اجرایی ذیل مستفاد می‌گردد:

الف) تعریف حقوقی هر موضوعی باید به گونه‌ای ارائه شود که بتواند جامعیت مسائل را در بر گیرد، قانونگذاری را در مسیر صحیح خود قرار دهد و نگرش مثبت علمی و منطقی را در جامعه نسبت به موضوع به وجود آورد. از این رو مفاهیم و کلید واژه‌های اصلی مربوط به وضعیت مشارکت بالقوه شهروندان معلول در ایران باید با نگاه درخور، دقیق و مبتنی بر کرامت انسانی بازتعریف گردد، تا پرداختن به آن در حقوق موضوعه از جامعیت لازم حق مدارانه ماهوی و شکلی برخوردار شود.

ب) با لحاظ حق‌ها و تضمینات ماهوی و رویه‌های اسناد حقوق بشری، وضعیت موجود در حقوق موضوعه ایران نمی‌تواند زمینه برابرسازی فرصتها را برای معلولین فراهم نماید و تا رسیدن به وضعیت موصوف در این اسناد، فاصله زیادی دارد. قوانین و مقررات تکلیفی دولت در دو حوزه مدنی و رفاهی، در زمینه‌های مختلف توانبخشی، آموزشی، اشتغال، تامین اجتماعی و... به دلیل فراگیر نبودن و هزینه‌های بالا و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و عدم وجود نظارت، ارزشیابی، کنترل و ضمانت اجرایی کافی نتوانسته شرایط برابر و منصفانه‌ای را

برای زندگی و مشارکت این قشر از جامعه فراهم کند.

ج) تشکیل شورای عالی معلولان در راستای تحقق سیاست‌گذاری‌های کلان‌هدایتی، نظارتی و حمایتی به منظور نظارت بر اجرای صحیح مقرره‌گذاری‌های حمایتی از سوی سازمان‌ها، ارگان‌های مربوطه اطلاق می‌شود و زمینه‌ساز ادغام اجتماعی اشخاص دارای معلولیت در چارچوب شهروند موثر در جامعه پذیری را فراهم می‌سازد.

د) به رسمیت شمردن کرسی نمایندگی شهروندان معلول در فرایند انتخابات مجلس شورای اسلامی از طرف نظام‌نامه انتخاباتی گامیست. در راستای وضع قوانین هدایتی، نظارتی و حمایتی اشخاص دارای معلولیت در مجلس بشمار می‌رود و اقدامی‌ست در بازتولید قوانین حمایتی در پرتو کار ویژه‌های معلولیت نمود پیدا کند و نیز در تدوین و تنظیم آیین‌نامه‌های اجرایی، طرح‌های حمایتی مربوط به برنامه جامع حمایت از حقوق معلولان تجلی یابد.

ه) رجوع کردن به تشریح سازوکار مولفه‌های معلول شهروندی موثر، که برآیند محدودیت‌های عملکردی معلولان بشمار می‌رود و باعث تصریح در وضع، تنظیم و تدوین متون حقوقی که عاملی‌ست در فرایند سیاست‌گذاری‌ها و مقرره‌گذاری‌های حمایتی از اشخاص توان‌خواه لحاظ گردد. که به فراخور می‌تواند نقش و جایگاه معلولان را بازتولید کند. اما با سازوکاری که از مدل جنبش فراگیر حقوق شهروندی اقتباس شده است. می‌توانند بطور موثر تصمیم‌سازی‌های کلان را کنترل نمایند. که تعدیل‌کننده ظرفیت‌های موجود سیستم از قبیل پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری و شفافیت در نحوه ارائه مقرره‌گذاری در عرصه توانمندسازی بشمار می‌رود.

و) تاملی در مفهوم محدودیت مضاعف که برآیند نوعی محرومیت عمل‌کرد فیزیکی معلولان است، که متأثر از نگرش منفی قالب اجتماع نسبت به مفهوم کارکردی معلول شمرده می‌شود، در روند سیاست‌گذاری می‌تواند گستره مطالعات را در جهت ابهام‌زدایی در مقرره‌گذاری بهبود دهد؛ که در عرصه توان‌بخشی متناسب با اصل برابری فرصت‌ها، اصل کرامت ذاتی انسانها، اصل پذیرش تنوع انسانی در بطن جامعه اتخاذ گردد. محدودیت‌های مضاعف: به پارامتری اطلاق می‌گردد که افراد و گروه‌های ناتوان علاوه بر محرومیت‌های فیزیکی، نواقص جسمی، روانی و ذهنی محدودیت‌های نسبی دیگری شامل: رواج مفاهیم مخرب خودساخته معلولیت، اکتساب افراد معلول تحت عنوان شهروند درجه دوم یا سوم، معلول به عنوان عامل ورود خسارت در جامعه توأم با تعمیم نگرش منفی قالب در جامعه به آن محرومیت‌ها افزوده می‌شود و از طرق سازوکار مناسب اجتماعی درصدد ترمیم و کاهش محدودیت‌های مضاعف بشمار می‌رود.

منابع فارسی

کتاب

- الوانی، مهدی (۱۳۷۶)، *تصمیم‌گیری و خط‌مشی دولتی*، تهران، سمت
- الله‌وردی زواره، منصور (۱۳۸۳)، *مناسب‌سازی برای کم‌توانان جسمی از ابتدا تا امروز چالش‌ها و راهکارها*، کارشناس مناسب‌سازی، حوزه معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی کشور، آذرماه
- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۶)، *سیاست‌گذاری عمومی در ایران*، تهران، انتشارات نشر میزان
- افروز، غلام‌علی (۱۳۹۱)، *مقدمه‌ای بر روانشناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ارجمند، تاج‌الملوک (۱۳۸۰)، *اطلاع‌رسانی به معلولان و پیشنهاد شبکه‌ای اطلاع‌رسانی برای معلولان کشور*، تهران دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور
- ازغندی، سید علیرضا (۱۳۸۵)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران، نشر قومس
- بادینی، حسن (۱۳۸۴)، *فلسفه مسئولیت مدنی*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول
- بابایی، مهدی (۱۳۷۲)، *در ترجمه برنامه اقدام جهانی برای معلولین؛ سازمان ملل متحد*، تهران، سازمان مشاوره فنی و مهندسی شهرداری تهران
- باختری، سید احمد (۱۳۹۱)، *حقوق معلولان در قوانین ایران*، انتشارات نشر جنگل، جاوید
- جبلی، خدیجه (۱۳۹۱)، *جامعه‌شناسی معلولیت تبیین جامعه‌شناختی تبعیض علیه معلولین*، تهران، انتشارات نشر علمی
- زهرایی، حسین (۱۳۹۳)، *مرجع حقوق معلولین*، شیراز، نشر نوید
- دیوید مارش، جری استوکر (۱۳۷۸)، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، مترجم امیر محمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ذاکریان، مهدی (۱۳۸۳)، *مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین‌المللی*، تهران، نشر میزان
- سید احمد نوری طباطبایی، سعید نشاط (۱۳۹۱)، *حقوق فرهنگی معلولان*، انتشارات دفتر فرهنگی معلولان قم، پاییز
- سید مهدی الوانی، فتح شریف‌زاده (۱۳۸۸)، *فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی*، چاپ هفتم انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی
- علی محمدی، محمود (۱۳۸۹)، *کالبدشکافی قانون جامع حمایت از معلولان*، مشاور وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی در امور معلولان، در شورای عالی راهبردی سازمان بهزیستی کشور
- عبداللهی، رضا (۱۳۸۶)، *مروری بر مفاد کنوانسیون جهانی حقوق معلولان*، تیر ماه سازمان بهزیستی

کشور

- فاطمی نژاد، سید صلاح‌الدین (۱۳۸۹)، بازخوانی مواد قانون جامع حمایت از معلولان، مدیرکل حقوقی و بودجه سازمان بهزیستی کشور، منبع اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان بهزیستی کشوری

- مرادزاده، حسن (۱۳۹۰)، حقوق و تکالیف اشخاص دارای معلولیت در نظام مسئولیت مدنی، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، تهران، چاپ اول
- مولر، پییر (۱۳۷۸)، سیاست‌گذاری عمومی، مترجم حمیدرضا ملک محمدی، چاپ اول انتشارات دادگستر

- نوری، علی (۱۳۹۴)، حقوق معلولان در ایران، قم، انتشارات دفتر فرهنگی معلولان، پاییز
- نباتی، نگار (۱۳۸۹)، حمایت از اشخاص دارای معلولیت در نظام بین‌المللی حقوق بشر، ناشر موسسه مطالعاتی و پژوهشی حقوقی شهر دانش، تهران
- وحید، مجید (۱۳۸۳)، سیاست‌گذاری عمومی، تهران، انتشارات نشر میزان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی